

واکاوی تجارب زیسته معلمان از عوامل مؤثر بر خشونت در بین دانش‌آموزان دوره

ابتدایی

عبدالله رحیمی^{۱*}، هایده احمدی^۲، شلیر نجفی^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه کردستان، آموزگار ابتدایی آموزش و پرورش ناحیه یک سنندج، ایران.
۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه کردستان، آموزگار ابتدایی آموزش و پرورش ناحیه دو سنندج، ایران.

فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره چهارم، شماره چهاردهم، تابستان ۱۴۰۱، صفحات ۸۴-۹۳

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی تجارب معلمان در زمینه عوامل مؤثر بر خشونت در بین دانش‌آموزان دوره ابتدایی بود. میدان تحقیق و جامعه مورد مطالعه معلمان مدارس شهر سنندج بودند. از آنجایی که پژوهشگر قصد داشت تجربه زیسته معلمان در زمینه عوامل مؤثر بر خشونت در بین دانش‌آموزان ابتدایی را پیدا کند؛ لذا راهبرد پدیدارشناسی انتخاب شد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش به شیوه هدفمند و ملاکی انجام شد. از بین معلمان مدارس شهر سنندج در مجموع از ۱۰ نفر برای مشارکت دعوت به عمل آمد که ۴ نفر آنان معلمان مرد و ۶ نفر زن بودند. اصل اشباع نظری برای اتمام نمونه‌گیری مورد استفاده قرار گرفت. تجارب مشارکت‌کنندگان در دو الگو ترسیم گردید. ۱- عوامل و پیامدهای معلمان (ناکارآمدی در تدریس و رفتار فردی، تنزل جایگاه و مقام معلم در جامعه، خشونت با همکاران و عوامل کادر مدرسه) ۲- عوامل و پیامدهای دانش‌آموزان (افت و ترک تحصیل، افزایش معضلات اجتماعی، آسیب روحی و روانی).

واژه‌های کلیدی: خشونت، معلمان، تجارب زیسته، دانش‌آموزان، مدرسه.

مقدمه

یکی از مسائل و مشکلات اجتماعی امروز در جوامع گوناگون ناهنجاری‌های رفتاری و روانی و روش‌های مقابله با آن‌ها است و تردیدی نیست که مسئله بهداشت روانی، پیشگیری و درمان ناهنجاری‌های رفتاری روزه‌روز اهمیت بیشتری می‌یابد. مطالعات نشان می‌دهد یک مشکل جزئی که رفع آن مستلزم آگاهی‌های مقدماتی و کوشش‌های خانواده و مدرسه است، بر اثر مرور زمان به یک مشکل حاد تبدیل می‌شود و خشونت یکی از شایع‌ترین مشکلات کودکان و نوجوانان است. در مدارس همه‌روزه دانش‌آموزانی مشاهده می‌شوند که به علت زدوخورد، دعوا و رفتارهای پرخاشگرانه تنبیه انضباطی می‌شوند. دانش‌آموزان پرخاشگر معمولاً قدرت مهار رفتار خود را ندارند آداب و رسوم و اخلاق جامعه‌ای را که در آن زندگی می‌کنند زیر پا می‌گذارند، در اغلب موارد با والدین خود و مسئولین مدرسه درگیری پیدا می‌کنند و حرکات آن‌ها گاهی به حدی باعث آزار و اذیت اطرافیان می‌شود که به اخراج آن‌ها از مدرسه می‌انجامد (مارتین استوری^۱، ۲۰۲۰). در واقع، خشونت به معنای حمایت از خود به شیوه‌ای است که در آن به حقوق دیگران تجاوز می‌شود. رفتار پرخاشگرانه به صورت معمول تنبیه گرایانه، سرزنش‌آمیز، تحکیم جویانه و خصمانه است و می‌تواند تهدید، توهین و حتی تنبیه بدنی را شامل شود (هسلوپ، پارکس، جونیوری و سبا^۲، ۲۰۱۹). اثرات فردی و اجتماعی خشونت‌ها بر کسی پوشیده نیست. دانش‌آموزی که به هر علت در محیط آموزشی تحت خشونت‌های کلامی یا بدنی قرار می‌گیرد علاوه بر احساس ناامنی و بی‌زاری از مدرسه، که عواقب آن در زندگی تحصیلی او به تدریج خود را به صورت افت تحصیلی یا ترک تحصیل آشکار خواهد کرد اثرات ناگوار این نوع رفتار را در طول زندگی به همراه خواهد داشت. بسیاری از تنش‌ها و ناآرامی‌ها در مدرسه ناشی از رفتارهای میان فردی دانش‌آموزان است که به‌رغم زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی متفاوت در کنار هم در مدرسه تحصیل می‌کنند و هرگز آموزشی برای ایجاد تفاهم و بهبود مهارت‌های اجتماعی دریافت نمی‌دارند. بیشتر پژوهشگرانی که طرح‌های عمده در زمینه مقابله با خشونت در مدارس ارائه داده‌اند تأکید دارند که برنامه‌های پیشگیری از خشونت باید بخشی از برنامه‌های آموزشی در مدارس باشد و کلیه شهروندان باید در زمینه پیشگیری از خشونت به همان اندازه که در مورد بیماری‌های قلبی، سرطان و سایر بیماری‌ها راهنمایی می‌شوند آموزش ببینند (سیار پور، هزاوه‌ای، احمدپناه، معینی و مقیم بیگی، ۱۳۹۰). خشونت به‌عنوان یک آسیب اخلاقی اگر کنترل نشود می‌تواند عواقب زیانباری برای دانش‌آموزان و متناسب با آن برای جامعه داشته باشد (هدایتی، ۱۳۹۰)؛ بنابراین، خشونت به رفتار قابل مشاهده با قصد و نیت آسیب‌رسانی اطلاق می‌شود که ممکن است فیزیکی (ضربه زدن)، لفظی (فریاد زدن، رنجاندن) یا به صورت تجاوز به حقوق دیگران ابراز شود. تحقیقات نشان داده است که خشونت دارای عوارض جسمی، روانی و اجتماعی فراوان است و موجب نشانگانی مانند احساس درماندگی، تنهایی، ناسازگاری اجتماعی، بی‌توجهی به حقوق و خواسته دیگران و بیماری‌هایی مانند زخم معده، میگرن، اختلال در فشارخون، افسردگی، اضطراب و افت تحصیلی می‌شود. کودکانی که مشکلات رفتاری از جمله خشونت دارند، نه تنها دارای نشانگان مرضی جسمانی مانند سردرد و دردهای معده - رودهای هستند،

¹. Martin-Storey

². Heslop, Parkes, Januario & Sabaa

بلکه در انزوا و تنهایی به سر می‌برند و به خواسته‌های اجتماعی دیگران توجهی ندارند (لان کویست^۱، ۲۰۱۳)؛ بنابراین، خشونت دربرگیرنده رفتارهای خصمانه نظیر ناسزاگویی، تهدید کلامی و دادوفریاد است که به‌طور مستقیم موجب آزار و اذیت دیگران می‌شود. پژوهش‌گران مطالعه شکلی از خشونت و خشونت را شروع کرده‌اند که خشونت رابطه‌ای (خشونت نا آشکار) نام دارد (ساتر، پی هت، رایدر، زیمرمن واستیفان^۲، ۲۰۲۰). خشونت رابطه‌ای دارای همان الگوی رفتاری خشونت جسمانی است که به‌نوعی آسیب و آزار دیگران از راه روابط می‌انجامد. این نوع خشونت به روابط دوستانه آسیب می‌رساند و کنار گذاشته شدن کودک از گروه همسالان را در پی دارد. کودک پرخاشگر با پخش شایعات و بدگویی یا وادار کردن سایرین به قطع رابطه دوستانه موجب حذف کودک از گروه می‌شود. نتایج مطالعات جدید در زمینه خشونت کودکان نشان می‌دهد پرورش همدلی در سنین دبستانی موجب کاهش رفتارهای پرخاشگرانه می‌شود. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که با افزایش همدلی می‌توان رفتارهای جامعه پسند و حرمت خود را در کودکان دبستانی افزایش داد (احمدی، عصاران، سید محرمی، سید محرمی، ۱۳۹۶).

عوامل مؤثر بر بروز خشونت دانش‌آموزان

۱. خانواده: یکی از عوامل مؤثر و اساسی در رفتار افراد می‌باشد. کودک از بدو تولد خصوصیتی را از والدین خود به ارث می‌برد و زمینه‌های رشد وی را فراهم می‌کند. نفوذ والدین در کودکان تنها جنبه ارثی و وراثتی ندارد بلکه در آشنایی کودک با زندگی اجتماعی و فرهنگ‌پذیری وی خانواده و والدین نقش اساسی دارند. ساختار و شکل خانواده، نحوه ارتباط اعضاء هر خانواده با یکدیگر و جامعه‌ای که خانواده در آن زندگی می‌کند در بیشتر موارد همسانی ندارد لذا رفتار و تاثیر خانواده‌ها در افراد متفاوت است (مجتهد زاده و نیسی، ۱۳۸۸).

۲. جنسیت: تفاوت در خشونت میان دو جنس از دو-سه سالگی مشهود است. در مهدکودک خشونت کلامی و بدنی در پسرها بیشتر از دختران است و معمولاً پسرها بیشتر درصدد تلافی برمی‌آیند؛ و این تفاوت در خشونت پسران و دخترها در همه فرهنگ‌ها و طبقات اجتماعی دیده می‌شود.

۳. سن: معمولاً هرچه کودکان بزرگ‌تر می‌شوند کمتر دست به رفتارهای خشونت می‌زنند، زیرا می‌توانند با بیان کلامی به خواسته‌های خود دست یابند. البته چنانچه کودکان در سنین مدرسه رفتارهای خشونت‌آمیز از خود نشان دهند غالباً این نوع رفتار از نوع خصمانه آن خواهد بود. به عبارت دیگر برای رسیدن به خواسته‌ها و تمایلات خود با قصد و برنامه قبلی عمل می‌کنند و بیشتر به خشونت‌های کلامی مثل انتقاد، تمسخر، یاوه‌گویی و فحاشی و یا مخالفت‌های کلامی می‌پردازند.

۴. مدرسه: مدرسه عاملی است که می‌تواند با اتخاذ روش‌ها و طریقه درست موجبات کاهش خشونت را فراهم آورد و در صورت عدم بهره‌گیری از روش‌های تربیتی صحیح باعث افزایش این‌گونه رفتارها و حرکات گشته و یا برای بروز آن‌ها زمینه‌سازی می‌نماید و حتی گاهی فرزندان خانواده‌هایی که از سلامت روانی برخوردارند و روابط خانوادگی آن‌ها مبتنی بر اصول و روش‌های درستی است با حضور در مدرسه رفتار پرخاشگرانه از خود بروز می‌دهند (نجفی نژاد، ۱۳۹۱).

¹. Lundqvist

². Suter, Pihet, Ridder, Zimmermann & Stephan

۵. رسانه‌ها: رسانه‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در بروز رفتارهای پرخاشگرانه محسوب می‌شوند. از دیدگاه ارونسون رسانه‌ها و بخصوص تلویزیون نقش اساسی در اجتماعی کردن کودکان ایفاء می‌کنند. هرچه افراد در کودکی خشونت بیشتری را در تلویزیون تماشا کنند بعدها در دوره نوجوانی و بزرگسالی خشونت و پرخاشگری بیشتری از خود نشان خواهند داد. کودکان حتی اگر مستعد پرخاشگری هم نباشند اگر برای مدت طولانی در معرض نمایش پیوسته فیلم‌های خشن قرار بگیرند پرخاشگر می‌شوند (اکبری، ۱۳۹۰).

۶. بازی‌های ویدیویی و رایانه‌ای: پرخاشگری و خشونت ازجمله موضوعات اساسی مطرح‌شده در بازی‌های ویدیویی و رایانه‌ای به شمار می‌آید. بررسی مفاهیم پرخاشگرانه در این گونه بازی‌ها حاوی نوعی از عادی‌سازی پدیده خشونت و پرخاشگری در جریان بازی‌هاست.

۷- روابط بین اولیای مدرسه و شاگردان: دانش‌آموزان همان‌گونه که دروس معلمین را فرامی‌گیرند از رفتارها و حرکات آنان نیز متأثر می‌گردند. رفتارهای معلمان و دست‌اندرکاران مدرسه بخصوص در دوران دبستان اثرات فراوانی بر روی کودک بر جا می‌گذارد. رفتارهای تند و تهدیدآمیز معلمان و دست‌اندرکاران مدرسه، فشارها و تحمیل‌های شدید بر دانش‌آموزان، محول نمودن تکالیف درسی بیش‌ازحد توان به آن‌ها، تنبیه‌های بدنی، تحقیر، تبعیض، عدم محبت کافی و تشویق به‌موقع همه ازجمله عواملی است که می‌تواند به‌عنوان زمینه‌های پرخاشگری محسوب شوند (محمدی، ۱۳۸۱).

۸- عوامل اقتصادی: در برخی از موارد فقرها و محرومیت‌های اقتصادی سبب تهاجم و پرخاشگری می‌شوند حال اگر والدین بتوانند با دادن وعده برای خرید، دادن پول به آنان که به صورت تدریجی جمع‌آوری و برای تهیه وسیله موردنظر اندوخته شود، می‌توانند تا حدود زیادی جلوی آن را بگیرند. این امر زمانی تشدید می‌شود و فاجعه‌آمیز است که در عین عدم تهیه آن وسیله کودک را سرزنش و سرکوب کرده و مورد ملامت قرار می‌دهند (اکبری، ۱۳۹۰).

تبیین‌های مربوط به خشونت

الف- خشونت یک رفتار غریزی است

کهن‌ترین و شاید شناخته‌شده‌ترین تبیین در مورد پرخاشگری انسان، نظریه غریزه است که بیان می‌کند انسان به‌گونه‌ای نامشخص برای رفتار پرخاشگرانه برنامه‌ریزی می‌کند. مشهورترین صاحب‌نظران این دیدگاه زیگموند فروید است. به باور فروید، پرخاشگری عمدتاً ناشی از سرکوب غرایز است که به‌سوی خود و آزار به خود متوجه شده و سپس به آزار دیگران می‌پردازد او معتقد بود که ریشه‌های پرخاشگری را باید در آرزوی مرگ یا غریزه مرگ جست‌وجو کرد که بر همه اشخاص حاکم است.

ب- خشونت یک رفتار اجتماعی است که یاد گرفته می‌شود

نظریه یادگیری اجتماعی بر اهمیت یادگیری رفتار پرخاشگرانه از الگوها تأکید دارد. از این نظریه بیشترین حمایت پژوهشی به‌عمل آمده است هواداران این دیدگاه بر این واقعیت تأکید دارند که پرخاشگری پدیده‌ای خطرناک و بی‌ثبات است که می‌بایست به‌عنوان یک رفتار اجتماعی یاد گرفته شود. خشونت و افراط‌گری کشورها علیه یکدیگر از این نوع خشونت‌هاست. در مقابل نظریه

غریزی بودن پرخاشگری، این نظریه معتقد است که انسان‌ها با مجموعه‌ای از انگیزه‌های پرخاشگری و پاسخ‌های خشن پا به عرصه حیات نمی‌گذارند، بلکه هم چنان‌که اشکال پیچیده دیگر رفتار را یاد می‌گیرند، رفتار پرخاشگرانه را نیز باید یاد بگیرند. چنان‌چه دیده می‌شود مردم فرهنگ‌های مختلف به شیوه‌های خاص خود مثل کونگ فو، تفنگ دولول و یا سرنیزه به دیگران حمله می‌کنند.

پ- خشونت یک سائق خارجی است

برخی از روان‌شناسان اجتماعی اعتقاد دارند که پرخاشگری از یک سائق خارجی برای آسیب رساندن به دیگران ناشی می‌شود. طبق این دیدگاه، شرایط خارجی متفاوت، انگیزه‌های نیرومند برای انجام رفتار خشونت‌آمیز ایجاد می‌کند و سائق پرخاشگری به تهدید علنی علیه دیگران می‌انجامد. این نظریه فرضیات ناکامی پرخاشگری را مورد بررسی قرار داده و اذعان می‌دارد که ناکامی سائق پرخاشگری را تحریک می‌کند و این سائق به هدف‌های گوناگون و به‌ویژه به منابع ناکامی حمله کرده و آسیب می‌رساند. نظریه ناکامی پرخاشگری بیانگر این مسئله است که به دنبال ناکامی، پرخاشگری بروز خواهد کرد. البته باید به خاطر داشت که پرخاشگری می‌تواند حالت پرخاشگری پنهان یا آشکار داشته باشد؛ یعنی ممکن است هدف پرخاشگری، خود فرد یا دیگری باشد. افزایش افسردگی، یأس و دل‌زدگی جوانان، انحراف‌های اجتماعی، فرار از خانه، اعتیاد، الکلیسم، خودکشی و مانند این‌ها جلوه‌هایی از پرخاشگری پنهان هستند که متأسفانه در جامعه ایران نیز رو به فزونی است (پارسونس^۱، ۲۰۱۷).

مهدیخوانلو (۱۳۹۶) در تحقیق خود به‌عنوان «بررسی زمینه‌های خشونت و راهکارهای پیشگیری از آن با رویکرد دینی» به این نتیجه رسید که، هدف اصلی آموزه‌ها و تعالیم دینی و اسلامی در ابعاد اعتقادی، اخلاقی و احکامی رشد و تعالی جامعه و رسیدن به سعادت و قرب الهی است و این هدف و حق هرکسی باید به‌دوراز هر نوع خشم و خشونت صورت بگیرد. شکوهی یکتا و همکاران (۱۳۹۱) نیز یکی از مؤثرترین راهکارهای کاهش خشونت در مدارس را گنجاندن آموزش روش‌های کنترل خشم و پیشگیری از خشونت در برنامه‌های آموزشی مدارس می‌داند که این برنامه‌ها می‌تواند تحت عناوین مختلف مانند آموزش شهروندی، آموزش سلامت و بهداشت روانی باشد. یافته‌های براتمن و همکاران^۲ (۲۰۰۹) در بررسی انواع خشونت نشان داده است که خشونت می‌تواند به صورت رفتار آشکار فیزیکی و کلامی مانند رفتارهای خصمانه، هل دادن، پرتاب اشیاء، لگد زدن به همدیگر، کشیدن لباس و موی سر و ... باشد یا به شکل تهدید به انجام این اعمال به صورت کلامی و خصمانه بروز داده شود مانند ناسزاگویی، تحقیر کردن، مسخره کردن و دادوفریاد که به‌طور مستقیم موجب آزار دیگران می‌شود (گرانرو، پونی، اسکوبار-کونی و اسکوبار^۳، ۲۰۱۱) طی پژوهشی به بررسی خشونت در میان دانش‌آموزان هفتم، هشتم و نهم و نوزدها پرداختند آن‌ها پیامدهای خشونت در میان نوجوانان در مدارس را به صورت افت تحصیلی شدید، غیبت‌های مکرر از مدرسه، فحاشی نسبت به معلمان و والدین، عوارض روانی، اختلال در تغذیه و گرایش به مصرف ماری‌جوانا عنوان کردند. مطالعات نشان داده‌اند که مشکلات رفتاری در دوران پیش‌دبستانی و دبستانی اختلالات روانی را در دوران بعدی زندگی پیش‌بینی می‌کنند. رفتارهای پرخاشگرانه و لجبازانه، دعوا، بیش‌فعالی، ضریب هوشی

^۱. Parsons

^۲. Brotman

^۳. Granero, Poni, Escobar-Poni & Escobar

پایین و نداشتن اعتماد به نفس در کودکی تا پیش از یازده سالگی، پیش‌بینی کننده‌های خوبی برای اختلال شخصیت ضداجتماعی هستند. چون کودکان آینده‌سازان کشور هستند و خشونت می‌تواند اثرات زیان‌باری بر سلامت جسم و روان آنان داشته باشد، نمی‌توان این جمعیت فعال را نادیده گرفت؛ بنابراین باید نگرش‌ها، مشکلات، مسائل و خواسته‌های آنان را شناخت و راه ارتباط و رفتار صحیح با آن‌ها را پیدا کرد. کم‌توجهی در رسیدگی به خشونت در کودکان به‌ویژه در مقاطع ابتدایی باعث ارتباط ناسالم در بین افراد جامعه می‌شود، بر کیفیت زندگی افراد لطمه می‌زند و نیز منجر به عوارضی نظیر فرار از مدرسه، افت تحصیلی و در نوجوانی منجر سوء مصرف مواد می‌شود که این عوارض به نوبه خود مانع رشد و شکوفایی ظرفیت‌ها، توانایی‌ها و همچنین حس تفاهم اجتماعی و نیز مانع جریان اجتماعی شدن کودکان و نوجوانان می‌شود؛ بنابراین شناخت هرچه بهتر متغیرهای تأثیرگذار بر خشونت کودکان و در نتیجه آن تدوین برنامه‌های مناسب برای پیشگیری و درمان این پدیده در مدارس ضروری به نظر می‌رسد (شریفی راد، بهاری، بازانی و جلیلیان، ۱۳۹۴).

لذا، پژوهش حاضر در پی دستیابی به پاسخ این سؤال است عوامل مؤثر بر خشونت در بین دانش‌آموزان دوره ابتدایی کدام‌اند؟ پاسخگویی علمی به این مسئله هدف اصلی تحقیق است.

روش پژوهش

از آنجاکه پژوهشگر قصد داشت تجربه زیسته معلمان در زمینه عوامل مؤثر بر خشونت در بین دانش‌آموزان ابتدایی را پیدا کند؛ لذا راهبرد پدیدارشناسی انتخاب شد. این راهبرد مشابه روشی است که پیازنه در تحقیقات خود مورداستفاده قرارداد تا دریابد که چگونه کودکان جهان اطراف خود را می‌فهمند. پدیدارشناسی را می‌توان تقریباً برای پژوهش درباره هر جنبه‌ای از واقعیت طبیعی یا اجتماعی که افراد درباره آن برداشتی به دست آورده‌اند مورداستفاده قرارداد (گال، بورگ و گال، ترجمه نصر و همکاران، ۱۳۸۳).

روش نمونه‌گیری: نمونه‌گیری به شیوه هدفمند و ملاکی^۱ انجام شد؛ یعنی افرادی برای مشارکت دعوت شدند که معیارهای مهم و از پیش تعیین‌شده موردنظر پژوهشگر را داشتند؛ و از بین معلمان مدارس شهر سمنان در مجموع از ۱۰ نفر برای مشارکت دعوت به عمل آمد که ۴ نفر آنان معلمان مرد و ۶ نفر زن بودند. اصل اشباع نظری برای اتمام نمونه‌گیری مورداستفاده قرار گرفت. ابزار: جهت گردآوری داده‌ها از یک منشور^۲ مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. مصاحبه‌ها در زمان فراغت معلمان و در محیطی آرام و به‌دور از هر نوع عامل مزاحم و استرس‌زا صورت می‌گرفت. اطمینان داده می‌شد که نام مصاحبه‌شوندگان و یا سایر اطلاعات شخصی بر روی متون پیاده شده و متن حاصل از گفته‌های آن‌ها درج نمی‌شود و اصل رازداری و محرمانه ماندن اطلاعات در تمام مراحل پژوهش رعایت می‌شود. مدت مصاحبه‌ها بین ۲۰ تا ۴۰ دقیقه متغیر بود.

1. Criterion
2. Protocol

یافته‌ها

تحلیل مصاحبه‌ها بر اساس اصول راهبرد پدیدارشناسی بود. هدف از تحلیل داده‌ها استخراج مقوله‌های توصیف بود. طبق نظر پدیدارشناسان اولیه، تعدادی معدود از مقوله‌های توصیف بیانگر درک سوژه‌ها از پدیده‌ی مورد مطالعه است (بارنارد^۱، ۱۹۹۹، به نقل از محمد پور، ۱۳۹۰). کدگذاری‌ها به روش سه مرحله‌ای (باز، محوری و گزینشی) و مقایسه مداوم اشتراوس و کوربین^۲ (۱۹۹۸) انجام شد. در مجموع ۵۵ کدباز، ۶ مقوله محوری و ۲ مقوله گزینشی به دست آمد. جدول ۱ نمونه‌ای از پالایش کدگذاری باز به شیوه مقایسه مداوم را نشان می‌دهد:

جدول ۱. نمونه‌ای از کدگذاری داده‌ها با روش مقایسه مداوم

کدگذاری گزینشی و بازنگری کدها	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
عوامل و پیامدهای معلمان	ناکارآمدی در تدریس و رفتار فردی	ناتوانی در ارائه محتوا، باور بی‌عدالتی در کلاس، خشونت با سایر معلمان، نارضایتی سازمانی، تندخویی، ایجاد استرس در دانش‌آموزان، نارسایی رفتاری، نگرش منفی، نوع نگاه غلط به دانش‌آموزان، خشم و عصبانیت معلم در کلاس، تعداد زیاد دانش‌آموزان در کلاس، عدم توجه به باور دینی و مراسمات و مذهب
	تنزل جایگاه و مقام معلم در جامعه	بی‌احترامی به معلم، عدم الگو و سرنوشت‌گیری نسبت به معلم، نگرش و دید منفی نسبت به معلم، پایین آمدن منزلت و مقام معلم، عدم ارزشمندی معلم در جامعه، عدم پاسخگویی در برابر جامعه، عدم انجام وظایف و رسالت خویش
	خشونت با همکاران و عوامل کادر مدرسه	درگیری لفظی و کلامی، پایین بودن کیفیت روابط با معلمان، رفتار نامناسب، حسادت و تندخویی، دعوا و نارضایتی، خشونت حل‌نشده
عوامل و پیامدهای دانش‌آموزان	افت و ترک تحصیل	عدم قبولی، فرار از مدرسه، تماس با افراد خشونت‌گرا، بی‌علاقگی به تحصیل، آسیب روحی و روانی، تنبیه و خشونت دانش‌آموز، ضعف تحصیلی
	افزایش معضلات اجتماعی	بزهکاری، دزدی، کلاهبرداری، سیگار کشیدن، مصرف الکل، انحراف از مسیر زندگی، فکر کردن به خودکشی، رفتار ضداجتماعی
	آسیب‌های روحی و روانی	ناامیدی نسبت به آینده، افسردگی و اضطراب، بی‌انگیزگی تحصیلی، احساس تنهایی، عزت‌نفس پایین، ناراحتی روحی روانی، مشکلات تمرکز

بنابراین، بروز رفتار خشونت‌آمیز در محیط‌های آموزشی می‌تواند سبب ناکارآمدی معلمان در تدریس، اعمال خشونت در برقراری ارتباط با همکاران، انتقال خشونت به بیرون از مدرسه و تنزل جایگاه معلم در جامعه شود. همچنین افت یا ترک تحصیل، افزایش معضلات اجتماعی و عوارض روانی ماندگار پیامدهایی است که در نتیجه اعمال خشونت در مدارس، دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

1. Barnard
2. Straws & Corbin

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف واکاوی تجارب زیسته معلمان از عوامل مؤثر بر خشونت در بین دانش‌آموزان دوره ابتدایی خشونت انجام گرفت. نتایج نشان داد خشونت در مدارس مشکلی است که عوارض آن نه تنها در بعد زمانی و مکانی سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی کودکان و نوجوانان را به خطر می‌اندازد بلکه عواقب آن نسل‌های آتی، کل جامعه و توسعه ملی را نیز تهدید می‌کند. در رابطه با عوارض جسمی ناشی از خشونت مطالعات نشان می‌دهند احساس شدید و مکرر خشم و بروز رفتارهای خشونت، آمیز فشار زیادی را به بدن وارد می‌کند و می‌تواند در طولانی مدت به سبب بالا بودن فشارخون و ضربان قلب، مشکلات قلبی و ضعف دستگاه عصبی ایجاد کند. به‌طورکلی، آن دسته از دانش‌آموزانی که احساس می‌کنند مورد توجه و مراقبت آموزگاران و همسالان خود قرار می‌گیرند، کمتر احتمال دارد به رفتارهای خشونت بار دست بزنند. بدین لحاظ مطالعه عمیق و همه‌جانبه در زمینه پیشگیری از خشونت در مدارس امری مبرم و ضروری است؛ بنابراین، در مدرسه همواره دانش‌آموزانی هستند که بنا بر دلایل متفاوت مانند قدرت طلبی، خشونت و پرخاشگری، عدم همدلی و مهارت نداشتن در درک احساس دیگران، با رفتار نامطلوب خود، دانش‌آموزان ضعیف‌تر از نظر جسمانی یا ویژگی‌های شخصیتی را تحت سلطه خود درمی‌آورند و با رفتارهایی مانند دعوا، تحقیر، هول دادن و کتک زدن آنان را وادار به پیروی از خواسته‌های خود می‌کنند. نتایج نشان داد، عوامل خانوادگی و خشونت والدین، اجتماعی، الگوهای نامناسب، عدم توجه به کودک و برآورده نشدن نیازها، دیدن فیلم‌های خشونت‌آمیز و پایین بودن اعتمادبه‌نفس و ... سبب رفتار خشونت چنین دانش‌آموزی شده بود.

بنابراین بر اساس، یافته‌های این پژوهش؛ پیشنهاد می‌شود برای کاهش این رفتار مذموم در محیط‌های آموزشی به اصلاح قوانین انضباطی مدارس پرداخت، جایگاه مشاوره و امور تربیتی را در مدارس و در بین خانواده‌ها ارتقاء داد، شیوه‌های مناسب تنبیه تربیتی را ارائه کرد؛ دوره‌های متنوع ضمن خدمت را برای معلمان و کلاس‌های مختلف آموزش خانواده را برای والدین، جهت تغییر نگرش آن‌ها نسبت به جایگاه دانش‌آموزان، برگزار کرد. همچنین برای کاهش پیامدهای اعمال خشونت در مدارس، می‌توان از طریق رسانه ملی و همکاری سایر رسانه‌های دیداری و شنیداری، الگوهای مناسب رفتاری به دانش‌آموزان ارائه کرد. قبل از پرداختن به هرگونه عکس‌العملی در قبال رفتار ناخوشایند دانش‌آموز به ریشه‌یابی بروز آن پرداخت، معلمان، مشاوران و والدین به رفتارهای دانش‌آموزان بیشتر توجه کنند و در صورت مشاهده ناسازگاری و خشونت رفتار دانش‌آموزشان در جهت رفع آن تلاش کنند. رفتارهای نامطلوب و ماجراجویانه که پاداش دریافت می‌کنند با بی‌اعتنایی مواجه شود و در مقابل به رفتارهای مطلوب پاداش داده شود یعنی معلمان عمداً از کنش‌های خشن دانش‌آموزان غفلت کرده و فقط به رفتارهای مثبت دیگر دانش‌آموزان پاداش دهند در این صورت سطح پرخاشگری دانش‌آموزان قبلی رفته‌رفته کاهش می‌یابد یعنی کودک می‌آموزد چگونه خشونت خود را تحت کنترل درآورد. با توجه به اینکه خشونت بیشتر سازه‌ای محیطی است تا شخصیتی و یادگیری در آن بسیار دخیل است می‌توان با آگاهی دادن خانواده‌ها و مدارس به این موضوع خشونت را تا حد زیادی پیشگیری و کنترل نمود و مهم‌تر از همه برای کاهش خشونت در میان دانش‌آموزان می‌توان از آموزه‌های دینی و قرآنی بهره گرفت و با تکیه بر آن به اصلاح رفتار دانش‌آموزان و کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز پرداخت.

منابع

- احمدی، زهرا؛ عصاران، مهدی؛ سید محرمی، فاطمه؛ سید محرمی، ایمان (۱۳۹۶). تعیین رابطه خشونت آشکار و رابطه‌ای با میزان امیدواری در کودکان دبستانی. فصلنامه سلامت روان کودک، ۴(۳)، ۱۵۲-۱۴۳.
- اکبری، ابوالقاسم. (۱۳۹۰). مشکلات نوجوانان و جوانان، چاپ پنجم، نشر رشد و توسعه، تهران.
- سیار پور، سید مصطفی؛ هزاوه‌ای، سید محمد مهدی؛ احمدپناه، محمد؛ معینی، بابک؛ مقیم بیگی، عباس (۱۳۹۰). بررسی رابطه پرخاشگری و خود کارآمدی ادراک شده در دانش آموزان مقطع متوسطه شهر همدان. مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی همدان، ۱۹(۲)، ۲۳-۱۶.
- شریفی راد، غلامرضا؛ بهاری، عادل؛ بازانی، میثم؛ جلیلیان، محسن (۱۳۹۴). رابطه خشونت با متغیرهای جمعیت شناختی در دانش آموزان دبیرستانی پسر شهر ایلام. مجله علوم پزشکی زانکو/ دانشگاه علوم پزشکی کردستان، ۴۴-۳۶.
- شکوهی یکتا، محسن، نیره زمانی و سحرانه جوادی آسایش (۱۳۹۱). پیگیری تأثیر آموزش‌های شناختی - رفتاری بر کنترل خشم در معلمان دانش آموزان کم‌توان ذهنی، فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، ۲۶، ۱-۱۰.
- گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ گال، جویس (۲۰۰۵) روش تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی، ترجمه نصر و همکاران (۱۳۹۰) تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- مجتهد زاده، فاطمه السادات. نیسی، عبدالکاسم (۱۳۸۸). مقایسه اضطراب، افسردگی، پرخاشگری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دارای ناپدری و نامادری و پدر و مادر واقعی شهرستان اهواز، فصلنامه یافته‌های نو در روان شناسی، ۲(۶)، ۱۷-۷.
- مهدیخوانلو، علی (۱۳۹۶). بررسی زمینه‌های خشونت و راهکارهای پیشگیری از آن با رویکرد دینی. پایان نامه کارشناسی ارشد.
- نجفی نژاد، محمدرضا. (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش عفو و گذشت با محتوای چند رسانه‌ای با محوریت صدا و سیمای داخلی بر کاهش پرخاشگری زندانیان کرمانشاه، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تکنولوژی آموزشی، دانشگاه آزاد یزد.
- Brotman, L. M., O'Neal, C. R., Huang, K. Y., Gouley, K. K., Rosenfelt, A., & Shrout, P. E. (2009). An experimental test of parenting practices as a mediator of early childhood physical aggression. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 50(3), 235-245.
- Granero, R, Poni, E, S, Escobar-Poni, B, C and Escobar, J, (2011). Trends of violence among 7th, 8th and 9th grade students in the state of Lara, Venezuela: The Global School Health Survey 2004 and 2008, *Archives of Public Health*, 69, 7 -15.
- Heslop, J., Parkes, J., Januario, F., & Sabaa, S. (2019). Making meaning from data on school-related gender-based violence by examining discourse and practice: insights from a mixed methodology study in Ghana and Mozambique. *Compare: a journal of comparative and international education*, 49(1), 64-80
- Lundqvist, L. O. (2013). Prevalence and risk markers of behavior problems among adults with intellectual disabilities: A total population study in Örebro County, Sweden. *Research in developmental disabilities*, 34(4), 1346-1356.
- Martin-Storey, A., Serbin, L. A., Stack, D. M., Ledingham, J. E., & Schwartzman, A. E. (2020). Self and peer perceptions of childhood aggression, social withdrawal and likeability predict adult substance abuse and dependence in men and women: A 30-year prospective longitudinal study. *Addictive behaviors*, 36(12), 1267-1274.

- Parsons Kenneth (2017). Structural Violence and Power. *Peace Review: A journal of social justice*. 19 (2), 1040–2659.
- Suter, M., Pihet, S., de Ridder, J., Zimmermann, G., & Stephan, P. (2020). Implicit attitudes and self-concepts towards transgression and aggression: Differences between male community and offender adolescents, and associations with psychopathic traits. *Journal of adolescence*, 37(5), 669-680.